

مروری تاریخی بر چالش‌های نظامی - امنیتی ایالات متحده در برابر نیروهای غیرکلاسیک

# نبرد نامتقارن تهران و پکن علیه واشنگتن



عکس: تسنیم

## یادداشت تحلیلی

**امیرقریشاف**

روزنامه نگار

هرچند ساختار نرم رسانه‌ای و تبلیغاتی وابسته به ایالات متحده سعی دارد این کشور را به عنوان قدرت مسلط (هژمون) دنیا در تمام عرصه‌ها - خصوصاً از حیث نظامی و امنیتی - بازنمایی کرده و این‌انگاره را هم به لحاظ آکادمیک و هم از جهت سیاسی، به منطق و عرف بین‌الملل تحمیل کند، اما واقعیات میدانی حاکی از نقض این گزاره هستند و در طول تاریخ معاصر به کرات دیده شده که گروه‌های رزم نامتعارف در مناطق مختلف دنیا توانستند ارتش پرهزینه و پرمده‌عیای آمریکا را زمینگیر یا دچار شکست کنند. آنچه در این خصوص، نیاز به بررسی دارد، خوانش تاریخی تقابل نیروهای نظامی آمریکایی در برابر نیروها و شیوه‌های رزمی غیرکلاسیک و ستجش عیار توانمندی نظامی ایالات متحده در مقابل این شیوه‌ها و نیروها است.

نمونه‌های متعددی از برخورد‌های نظامی و امنیتی در طول تاریخ آمریکا هستند که می‌توان به آنها استناد کرد و شکست یا ناکارآمدی قدرت نظامی ایالات متحده در برابر قدرت‌های نوظهور را نشان داد. پیش از آغاز بحث، باید اختصاراً به سه مسأله مقدماتی اشاره کرد؛ نخست اینکه مراد از نیروهای غیرکلاسیک رزمی، آن دسته از نیروها یا حتی ابزارها و شیوه‌هایی هستند که ذیل ساختارهای سنتی نظامی و ارتش‌های رسمی تعریف نمی‌شوند و اساساً از ابزارها و راهبردهای کلاسیک جنگی پیروی نمی‌کنند. این هویت سلبی نیروهای غیرکلاسیک به معنای فقدان منطق رزمی آنها نیست؛ بلکه بیشتر بر شیوه‌های نوظهور و غیرقابل پیش‌بینی دلالت دارد که با منطق متعارف نظامی نمی‌توان آنها را محاسبه و تحلیل کرد. دوم اینکه

جمهوری اسلامی، بی‌تردید و بدون اغراق، قطب پیشران و پیش‌برنده مقابله غیرکلاسیک با ایالات متحده و متحدان آن بوده و از این جهت تبدیل به یک الگوی موفق و آینده‌دار شده است. البته این به معنای فقدان راهبرد و توانایی کلاسیک ایران نیست؛ بلکه به دلیل تمرکز بحث روی جنبه‌های رزم غیرسستی، در اینجا به توانمندی نظامی کلاسیک ایران پرداخته نخواهد شد. سوم اینکه در این نوشتار از طریق بازخوانی رخداد‌های تاریخی و تطبیق آن با رویداد‌های معاصرتر مانند نفوذ بال‌ن‌های چینی به آسمان آمریکا سعی می‌شود به چالش‌های نظامی و امنیتی پیش روی ایالات متحده پرداخته شود.

#### قایق‌های سیاه و «دوشنبه سیاه» وال استریت

در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، خصوصاً بعد از عملیات موفقیت‌آمیز کربلای ۵، فشار چندجانبه سنگینی بر ایران تحمیل و با ورود رسمی ایالات متحده و ارتجاع عرب منطقه به میدان منازعه، جبهه جنگ با پیچیدگی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شد. از حح خونین ۶۶ و کشتار حجاج ایرانی در مراسم حج آن سال تا نبرد موسوم به جنگ نفتکش‌ها که منجر به دخالت مستقیم نظامی آمریکا در هدف قرار دادن سکوهای نفتی ایران و ورود نیروهای چندملیتی به خلیج فارس شد. ضمن اینکه دو ابرقدرت وقت یعنی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی برسر پایان بدون برنده جنگ ایران و عراق در آسرع وقت، به طور پنهانی توافق کرده بودند و همین ماجرا در تحقق وضع مذکور، عمیقاً مؤثر بود. اما آنچه در آن مقطع، معادلات میدانی را تغییر داد و منجر به آن توافق ناخوشته شد، استفاده نیروی دریایی سپاه از قایق‌های تندرو موسوم به «عاشورا» بود.

بنا بر گزارش‌ها، تا پیش از این رویداد، ایران به طور میانگین، از هر شش حمله به نفتکش‌ها و تأسیسات نفتی‌اش، یک حمله را پاسخ می‌داد؛ درحالی‌که سه بعد از ورود این قایق‌ها موازنه تغییر کرد و دشمن در قبال هر حمله، یک پاسخ دریافت می‌کرد و حتی در مقطعی،

ایران با گرفتن دست برتر، هر تهاجم را با دو حمله پاسخ می‌داد. نکته قابل ذکر در این خصوص این است که نیروی دریایی سپاه این‌ قایق‌ها را با کاربری قایق‌های معمولی از کشور سوئد خریداری کرد و با تجهیز آنها به راکت اندازه‌ای ۱۰۷ میلیمتری و تیربارهای ۱۴٫۷ میلیمتری، قدرت‌های کلاسیک دریایی ازجمله آمریکا را در خلیج فارس، به چالش کشید.

پس از ورود نسل اول شناورهای عاشورا به سازمان رزم نیروی دریایی سپاه و تغییر معادله دریایی میان ایران و غرب، یک اتفاق تاریخی رخ داد که بایسته بازخوانی است. سقوط تاریخی و کم نظیر بورس ایالات متحده در هنگامه نبرد مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی در روز ۲۷ مهر

۱۳۶۷ (موسوم به دوشنبه سیاه)، رویدادی بود که دفتر وقت سیاسی سپاه در مجموعه تحلیل‌های خود با عنوان «گذر از بحران ۶۷» به آن اشاره کرده است:

«حمله موشکی به نفتکش سیی اوپل سیتی که با پرچم آمریکا در آب‌های کویت حرکت می‌کرد و نیز هدف قرار گرفتن اسکله سیی آلیند در ترمنبال نفتی الاحمدی کویت، توسط یک فروند موشک ساحل به دریا، بر رویه متزلزل دلانلن سهام در آمریکا تأثیر شدیدی گذاشت.

به این ترتیب، با سقوط بیش از پیش بورس وال استریت، عدم اطمینان شدیدی نسبت به آینده معاملات در بازارهای بورس جهان پدید آمد؛ چنان که در بازارهای بورس آمریکا، طی همان روز (دوشنبه سیاه)، ۲۰۰ میلیون و روز بعد ۶۰۰ میلیون سهام از سوی صاحبان عمده سهام به فروش رفت. به علاوه سایر بازارهای اصلی بورس در دیگر نقاط جهان به دلیل ارتباط وسیع و سریع یکدیگر با هم، دچار رگود بی‌سابقه‌ای شدند.

در آن برهه اقتصاد آمریکا به گونه‌ای اساسی از این سقوط لطمه دید؛ زیرا مسأله اصلی، چگونگی کنترل و مهار یا جبران خسارات وارده بود، مضافاً به اینکه وعده قبلی ریگان (رئیس جمهور وقت) مبنی بر مقابله با کسری بودجه عظیم و موازنه منفی شدید بازرگانی در آمریکا نتوانسته بود سیر نزولی بازارها را متوقف سازد.»

## در فرایند تجدید حیات نظامی ایران، باید

به دور رکن راهبردی مهندسی معکوس» و «خودکفایی در ساخت»

اشاره کرد که نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی در به چالش کشیدن توانمندی نظامی ایالات متحده و هم‌پیمانانش داشته است



عکس: تسنیم

#### پهپادهای ایرانی و سرنوشت نظم جدید بین‌المللی

پهپادها، دیگر رکن توانمندی غیرکلاسیک نظامی هستند که قدرت نظامی سنتی غرب را با چالش و بحران بی‌سابقه‌ای مواجه کرده‌اند. شاید این پرسش انتقادی مطرح شود که آیا پهپادها را می‌توان جزو سلاح‌های غیرکلاسیک محسوب کرد؟

در پاسخ باید گفت که همان‌طور که در تعریف نیروها، تجهیزات و شیوه‌های غیرکلاسیک ذکر شد، نوظهور بودن، پیش‌بینی ناپذیر بودن و عدم محاسبه در عرف دانش نظامی بین‌الملل، سه مؤلفه دخیل در تعریف رزم غیرکلاسیک هستند و ملاحظه می‌شود که نیروی پهپادی؛ هم یک نیروی جدید است و در تاریخ منازعات نظامی، آنچنان به کار گرفته نشده است، هم به لحاظ کیفیت عملکرد و توان عملیاتی، معیار مورد اجماع دقیقی وجود ندارد که آنها را پیش‌بینی کند و هم برحسب منطق متعارف تعیین قدرت نظامی کشورها، فعلاً محاسبه نمی‌شوند.

پیش از این، «ایران» در دو گزارش تفصیلی با عناوین «نظم نوین پهپادی» و «برندگان عذاب برای دشمنان» به کارکردهای عملیاتی، اطلاعاتی و حتی اقتصادی پرنده‌های بدون سرنشین و نظر اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی درمورد پهپادهای ایرانی پرداخته است و در اینجا صرفاً از جهت تناسب با موضوع، به یک نکته اشاره می‌شود. پهپادها بنا به ادعان ناظران، یکی از ستون‌های بازدارندگی دفاع نامتقارن را تشکیل می‌دهند که ایران در مواجهه با تحریم‌های تسلیحاتی و بازایی و توسعه سیطره هوایی خود، اقدام به راه‌اندازی و گسترش این صنعت کرده است. در فرایند تجدید حیات نظامی ایران، باید به دو رکن راهبردی «مهندسی معکوس» و «خودکفایی در ساخت» اشاره کرد که نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی در به چالش کشیدن توانمندی نظامی ایالات متحده و هم‌پیمانانش داشته است.

نمونه‌های مهمی برای این رویارویی می‌توان برشمرد؛ از انهدام پهپاد آمریکایی گلوبال هاوک تا اثرگذاری غیرقابل انکار پهپادهای «شاهد» در تعیین سرنوشت جنگ اوکراین.

ضمن اینکه اعتراف یک ژنرال ارتشد آمریکایی مبنی بر «عدم برتری مطلق هوایی در برابر ایران» دیگر نشانه‌ای است که مؤید پیشرفت کشور در فناوری هواپیمای بدون سرنشین به عنوان یکی از ابزارهای دفاع غیرکلاسیک است.

#### پرواز آزاد بال‌ن‌های چینی در آسمان ابرقدرت

انتشار اخباری مبنی بر شناسایی چند باره اشنیای پرنده در آسمان ایالات متحده و تلاش برای سرنگون کردن آنها، آنقدر رویداد مهمی بود که نه تنها فضای سیاسی بین‌الملل، خصوصاً رابطه آمریکا با چین را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد؛ بلکه به نظری‌رسد فراتر از آن، نشانه‌ای از تغییر نظم بین‌الملل معاصر باشد که توان ایجاد تحول در گفتمان‌های مسلط بر دانش روابط بین‌الملل را هم دارد. ماجرای پرواز این بال‌ن‌ها و پرنده‌های ناشناس، حداقل پنج دلالت می‌تواند داشته باشد:

نخست به لحاظ نظامی، نشان داد که تبلیغات صورت گرفته و افسانه‌سرایی‌های هالیوودی حول محور قدرت نظامی آمریکا و به‌طور خاص، درباره توان پدافندی این کشور در رهگیری ریزترین پرنده‌ها تا انهدام اجرام آسمانی فراتر از جو زمین و... چقدر با واقعیت فاصله دارد.

دومین دلالت این رخداد، توسعه میدان منازعه چین و آمریکا از ساحت اقتصادی صرف به حوزه تقابل امنیتی است. نفوذ و پرواز چند باره پرنده‌های چینی در آسمان آمریکا، آن هم در ارتفاع کم، حاکی از وجود حفره‌هایی در ساختار امنیتی ایالات متحده است. وجود این حفره‌ها زمانی معنادارتر است که بدانیم مقامات کاخ سفید به ماهیت جاسوسی این پرنده‌ها و کشف تجهیزات رصد اطلاعاتی اذعان کرده‌اند.

واشنگتن همچنین بعد از تجزیه قطعات یکی از بال‌ن‌ها مدعی شد که احتمالاً آن یک وسیله جاسوسی پیشرفته بوده که از آسمان مناطق حساس نظامی ایالات متحده،

ازجمله پایگاه‌های هسته‌ای در مونتانا، فرماندهی استراتژیک (STRATCOM) و پایگاه بمب افکن‌های هسته‌ای در میسوری گذشته است. تشدید و توسعه تنش‌های آمریکا و جهان شرق، سومین پیام قابل استنباط از رویداد اخیر است و نباید آن را صرفاً به منازعه آمریکا و چین تقلیل داد. اصلی‌ترین نشانه برای تأیید این مدعا اظهارات دبیرکل ناتو درباره نقش مشترک چین و روسیه است که در آخرین نشست مطبوعاتی خود مدعی شد «اتلاف برای این باور است که بال‌های ناشناس بر فرز ایالات متحده بخشی از عملیات اطلاعاتی رو به گسترش چین و روسیه است.» چهارمین نکته قابل ذکر، تشدید اختلافات داخلی میان احزاب آمریکایی و سرریز این اختلافات به رسانه‌های وابسته به این احزاب است. پس از انتشار این خبر، بلافاصله اعضای حزب جمهوریخواه و مقامات دولت سابق، دولت بایدن را به تعلق و کرنش در برابر چین متهم کردند.

اندکی بعد، گزارشی توسط شبکه سی‌ان‌ان، متعلق به حزب دموکرات منتشر شد که مدعی شد این پروازها در زمان ترامپ هم اتفاق افتاده‌اند! همان‌طور که گفته شد، دامنه این منازعات سیاسی به رسانه‌های این احزاب گسترش پیدا کرد و به عنوان نمونه اپک تایمز (رسانه ضد چین با گرایش راست افراطی و طرفدار ترامپ) با اشاره به مصاحبه ترامپ با فاکس نیوز، ادعای سی‌ان‌ان را قویاً تکذیب کرد.

پنجم اینکه، یکی از احتمالات موجود در تحلیل این رویداد، فرضیات مآورایی و ادعای «فرازمینی» بودن بال‌ن‌ها و اطلاعات گمراه‌کننده disinformation و خداطلاعات CounterIntelligence برای مدیریت و انحراف افکار عمومی و گریز از پاسخگویی است.

طرح فرضیات مآورایی و ادعای «فرازمینی» بودن بال‌ن‌ها و پرنده‌های چینی و تکذیب آن را در همین زمینه باید ملاحظه کرد. نکته‌مانند که استفاده از تاکتیک‌های خداطلاعات، به لحاظ ماهوی و تاریخی، پیوند عمیقی با بخش نظامی در ساختار حاکمیت ایالات متحده دارد و در رخداد اخیر نیز مقامات پنتاگون، پیشران القای انگره‌های غیرواقعی و گمراه‌کننده بودند.

نگاهی به مواجهه تبعیض آمیز غرب در کمک به ترکیه و سوریه

# تناقض های بشردوستی غربی!

## گزارش تحلیلی

**احمدفاضل زاده**

روزنامه نگار

#### اگر سیل اخبار مبنی بر کمک‌کشورهای

غربی به ترکیه را در کنار اخبار مخابره شده از گوشه و کنار سوریه بگذاریم، مشخص می‌شود برخورد دوگانه غرب با یک حادثه غیرمترقبه طبیعی تنها به کمک‌های مالی و امدادی محدود نیست؛ وزارت خارجه آمریکا به‌طور رسمی و صریح اعلام کرد که با دولت بشار اسد برای کمک به مناطق زلزله‌زده همکاری نخواهد کرد! این

جمله به خوبی نشان می‌دهد که آنچه برای کشورهای غربی اهمیت دارد، تنها کمک به همپیمانان سیاسی خود است؛ چنین کمکی هم از جهت انسان‌دوستی نیست، بلکه بدین خاطر است که کشورهای کمک‌کننده غربی بعدها در قبال کمک‌هایی که به همپیمانان خود می‌کنند، از آنها امتیاز سیاسی دریافت کنند. بر این اساس، از آنجایی که کمک به سوریه هیچ‌گونه امتیاز سیاسی برای غرب به ارمان نخواهد آورد، از دستور کار آنها خارج شده است.

بر اثر جنگ شناختی و رسانه‌ای دشمن درباره کشور سوریه و تحولات آن از زمان پدید آمدن داعش و افول آن تا امروز، نوع نگاه افکار عمومی جهانی نسبت به

مردم این کشور دچار خدشه و تغییر شده است و این موجب شده مردم سوریه در کنار تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی امروز نه تنها باید درد زلزله را تحمل کنند، بلکه فشارهای روحی و روانی ناشی از تبعیض را نیز شاهد باشند. این تبعیض آنچنان پررنگ بوده که اعتراض مقامات سازمان جهانی بهداشت را هم برانگیخته است؛ به طوری که مایک رایان، مدیر اجرایی برنامه فوریت‌های بهداشتی سازمان جهانی بهداشت از «بحران فراموشی» سوریه ابراز تأسف کرده است.

پس از وقوع زلزله شدید در جنوب ترکیه و شمال سوریه که به جان باختن ده‌ها هزار نفر از مردم دو کشور منجر شد، به‌طور طبیعی باید شاهد ابراز

## ●

براساس تصاویر، حریم هوایی ترکیه شاهد ترافیک است

و همزمان حریم هوایی سوریه تقریباً خالی است!

این نشان می‌دهد سرعت کمک‌رسانی در ترکیه عکس سوریه است

همدردی و ارسال کمک‌ها و امکانات برای تسریع در امدادرسانی و کمک به زلزله‌زدگان بودیم؛ چرا که مجروحان در همه‌جا به کمک یکسان نیاز دارند و مردم زلزله‌زده جنوب ترکیه و شمال سوریه هیچ تفاوتی با هم ندارند.

پس از زلزله، دولت‌ها و سران کشورها درباره سوریه به ارسال پیام تسلیت بسنده کردند، اما درباره ترکیه وضعیت متفاوت بود و بسیاری از کشورها سیل کمک‌های خود را به سمت ترکیه گسیل کردند تا جایی که تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌داد، حریم هوایی ترکیه شاهد ترافیک است و همزمان حریم هوایی سوریه تقریباً خالی است! این موضوع نشان می‌دهد سرعت کمک‌رسانی در

#### جهان سوریه را فراموش کرده است

مایک رایان، مدیر اجرایی برنامه فوریت‌های بهداشتی سازمان جهانی بهداشت از «بحران فراموشی» سوریه و ناگهی بودن کمک‌ها ابراز تأسف کرده است.

طبیعی هم در برابر دیدگان میلیاردها انسان، همان نگاه‌های سلطه‌جویانه و ضدبشری را دنبال می‌کنند و حاضر نیستند حتی برای حفظ ظاهر هم که شده، به مردم سوریه که سال‌ها بر اثر توطئه جنگ‌افروزی قدرت‌های غربی و مرتجعان منطقه‌ای و تحریم‌ها و فشارهای پس از آن در محرومیت و «صادقانه بگویم؛ جهان سوریه را اولیه برای زنده ماندن ارسال کنند. به این موضوع، باید سیاست‌های دوگانه رسانه‌ای غرب در پرداختن به اوضاع آسیب‌دیدگان سوری را هم اضافه کرد که نشان‌دهنده آپارتاید رسانه‌ای در غرب مدعی آزادی‌بیان و رسانه است؛ آری، چهره حقیقی غرب به همین شکل است.



عکس: المانیاتور